

گفتگو باصاقد طباطبائی کنفدراسیون درس خواندن را خیانت به انقلاب می دانست



دکتر سید صادق طباطبائی که ششمین دهه عمرش را سپری می کند، در اولین ماه های پس از پیروزی انقلاب، به اوج شهرت قرار داشت و که سالها در آلمان زندگی کرده و دانش آموخته رشته بیوشیمی است، خاطرات فراوانی از سالهای پیش از آن که مستحوی بلاطه بود دلیل آن که مستحوی دولت موقت و معاون وزیر کشور و کاندیدای ریاست جمهوری (به عنوان قیاب ابوالحسن بنی صدر) بود، کوله باری از خاطرات ماه های نخست پیروزی انقلاب را نیز به همراه دارد.

قرار ما با ۱۰ شب بود. گفتگو با او روانی نه چندان مشابه با گفتگوهای دیگر پیدا کرد و تا ۴ کلامه به طول انجامید. بخشی از گفته های او را در صفحه «دردور» و یپاره ای از گفتگو در هفته های آینده در قالبی مناسب عرضه می کنیم

طباطبائی در این قسمت، از تاریخچه فعالیت های سیاسی و اجتماعی او در دهه های پیش از انقلاب اسلامی برمی بینی زمانی که شما عضو انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور بودید و انجمن آزادی گرایش هائی به نهضت آزادی داشتید.

من در سال ۱۳۴۰ به آلمان رفتم و بیشتر در چارچوب انجمن علمی اسلامی فعالیت داشتم. در سال ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ فعالیت های اسلامی را در اروپا در قالب انجمن اسلامی شروع کردم در آن زمان عمده فعالیت های دانشجویی در سازمان های دسته و گروه های که توسط حزب توده اداره می شد متمرکز بود.

از سال ۱۳۴۰ به بعد رفته رفته نقش چهره ملی پررنگ تر شد و مالا به صورت کنفدراسیون دانشجویان ایران درآمد.

مشکل حزب توده این بود که از یک طرف نمی توانست موضع اتحاد جماهیر شوروی را که در برابر رژیم پهلوی خنثی و بعضا جانبدارانه بود تحمل کند و از طرف دیگر سران و اعضای این حزب به اتحاد جماهیر شوروی و آقمار آن در جریان شرقی ناپهنده بودند.

این حالت متناقض باعث شد روزبه روز موضع مناسن نزد دانشجویان ضعیف تر شود. همچنین قیام مردمی خرداد ۴۲ شوروی «شورش کور» نامیده بود و همین موضع به باعث تضعیف بیشتر توده های ما شد.

اما از سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۴) و ۱۳۴۵ بین انقلاب وارد عرصه بین الملل شد. انقلاب فرهنگی در چین به ثمر رسیده بود و در کشورهای امریکای لاتین هم جنبشهای مارکسیستی انقلابی با عدول از مسی روضنیتسکی و شوروی فعالیت جدی و مستحسبه داشتند.

طبیعی است که این امر برای جوانان ۲۰-۲۲ ساله پرتشور، تعیین کننده بود. به همین دلیل

دکتر سبحانی، آیت الله طالقانی و دکتر شیبانی و نشریات ایده نولوژیک شرکت سهامی انتشار و بخشهای انجمن اسلامی مهندسین برای ما می آمد اما اینها هیچ وقت کافی نبود.

با آغاز فعالیت های فرهنگی دکتر شریعتی و شهید مطهری و از همه مهمتر طرح مباحث و اندیشه سیاسی امام خمینی که مرجعیت را به زعامت دینی و سیاسی ارتقاء داد، انجمن اسلامی دارای توانمندی فزاینده شد. به یاد می آید که در سال ۱۳۵۰ یک اپدیمی در شمال آلمان رواج پیدا کرد شبهه بیماری یرقان، روزنامه های صهیونیستی تبلیغ کردند که علت رواج این بیماری، ترک های مسلمان هستند که در کارخانجات موادغذایی اینجا مستوطنند و بهداشت را رعایت نمی کنند و به همین بهانه به احکام طهارت در اسلام حمله کردند.

اینجا جایی بود که انجمن اسلامی باید به میدان می آمد و خیلی زود توانست با بسیج کردن مجموع واحد ها و صدور بیانیه های بی درپی و نامه، به مراجع حقوقی و سیاسی به جنگ این روزنامه های صهیونیستی برود. در مدت خیلی کوتاهی توانستیم ورق را برگردانیم، حتی اقامه دعوا دادگستری کردیم به طوری که گزارش مرکزی اداره کاربای آلمان رسماً از کارگران مسلمان غرضواری کرد و گزارش این ماجرا را به این امداد به کار بردیم و اسرانی های شان که دو، سه، هفتت پی از این گزارش ایراد شد، به این مطلب اشاره کردند و آن را بسیار ستودند.

گفتند یک جنجالی جنودت جوانان مسلمان تلاش کردند و این را خنثی کردند (کوزما، جلد اول، صفحه ۴۹۹ تا ۴۸۹؛ دفتر نشر آثار امام). با گسترش فعالیت های اعتقادی و سیاسی انجمن های اسلامی، دانشجویان ایرانی که قصد تحصیل به اروپا می آمد دیگر هرز نمی رفت و عقاید اسلامی را از دست نمی داد و از احاطه فکری بارور می شد. ظاهراً اختلافاتی هم دربرابر درس خواندن بین نیروهای مذهبی و اغلب کنفدراسیون ها وجود داشت شرط ما برای اعضای انجمن این بود که در وهله اول باید درستشان را بخوانند، چون قرار نیست برای همیشه در خارج بمانند. میدان

ما برای این است که فارسی زبان هستیم و دانشجویان افغانی و پاکستانی فارسی زبان هم عضو ما هستند. ما در واقع از مشروعیت اتحادیه بین المللی انجمن های اسلامی دانشجویان بهره گرفتیم و با افزودن کلمه گروه فارسی زبان در برنتر خودمان را تفکیک کردیم و از این طریق مشروعیت حقوقی پیدا کردیم پس شهید پشته در جلسه این گروه شرکت کرد به این گروه هم دربرابر این سازمان آقای پشته شرکت کردند. کنگره کافی رسوم هم قیلا تشکیل شده بود و جنبه مهمت داشت در کنگره آنجا که در شهر تهران تشکیل شد، من برای اولین بار به عنوان مسؤول روابط بین الملل اتحادیه انتخاب شدم

بالافاصله پس از این انتخاب، ارتباطات جدی با دیگر سازمان های دانشجویی در چه بود نقطه ضعف ما در آن مقطع، نداشتن خوراک فکری برای پاسخگوشی بود که ایهامات، شبهات و نیازهای بود که مطرح می شد. بچه هایی که ایسته به جناح پی بودند، به اندازه کافی خوراک ایده نولوژیک داشتند و از طریق سازمان های سیاسی شان راجع به تئوری روز و مسائل سیاسی و فلسفی و اعتقادی تغذیه می شدند اما اعتقادات ما در درگیری فلسفی، اجتماعی و عقیدتی با آنها کم بود.

با فعال شدن جریان حسینیه ارشاد و آغاز فعالیت های دکتر شریعتی و آمدن شهید مطهری از قم به داخل و تکرین و تکرین در قالب و اردن مسائل عقیدتی در قالب مسائل سیاسی روز و انتشار جزوه های در این موارد، وضع فکری دانشجویان در اروپا بهتر شد. البته آثار مهندس بازگان،

استا انتخاب شدم در سال ۱۳۴۵ یک ایرانی به نام مصطفی حقیقی در جلسه کنگره سالانه این سازمان بین المللی دانشجویان مسلمانان که در شهر ورمز WORMS آلمان تشکیل شده بود، شرکت کرد.

او با من آشنا شد و مرا دعوت کرد که ۴ ماه دیگر در کنگره ای از دانشجویان مسلمان ایرانی در شهر تریر TRIER آلمان شرکت کنم

چهارم بعد با تعدادی از برادران انجمن آیشان بودم او رئیس سازمان آلمان آخن به آن کنگره رفتم و در آنجا در پشته را دیدم سابقه آشنائی قبلی هم با شهید پشته داشتند؟ در سالهای ۱۳۳۵-۳۷ قم ساگرد آیشان بودم او رئیس دبیرستان دین و دانش بود و درس هم می داد. زبان انگلیسی نه در الهه یک بار هم ایشان را در مسجد هامبورگ و به هنگام ورودشان دیده بودم اما صحبتی بین ما در این مورد نبود. فقط جهت خیرمقدم، دیدار خیلی کوتاهی بود.

اما این بار آقای پشته به کنگره های آمده بود که حدود ۳۰ دانشجو مسلمان ایرانی در آن شرکت داشتند. این کنگره، نشست و کرد هم آنی چهارم اتحادیه انجمن های دانشجویان گروه فارسی زبان بود. اتحادیه دانشجویان گروه فارسی زبان هم عضو کنفدراسیون بود؟

تخیر. یک سازمان دانشجویی وقتی می خواست شکل بگیرد باید خودش را به لحاظ حقوقی به ثبت می رساند. یعنی باید عضو اتحادیه بین المللی دانشجویان صنفی و بین المللی دانشجویان می شد تا مشروعیت داشته باشد.

سازمان دانشجویی بین المللی صنفی وجود داشت یکی به نام «یوسو» که بیشتر سازمان های دانشجویی به عضو آن بودند و مرکز آن هم در پراگ بود و یک سازمان هم تحت نفوذ امپریالیست ها بود. هر دو شکل دانشجویی باید در یکی از این دو سازمان عضویت می گرفت

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مشروعیتش را از سازمان اول گرفته بود. عضویت در آن سازمان ها یک شرط اساسی داشت و این که سازمان دانشجویی داوطلب باید بتواند اثبات کند که زبان رسمی سازمان دانشجویان داخل کشور خودش است

زمانی که افرادی درصدد تأسیس کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بودند، باید اثبات می کردند که سخنگوی دانشجویان دانشگاه های ایران هستند. در سالهای ۱۳۳۹-۴۰ حزب تشکیلات دانشجویی ایسته به خود در خارج از سازمان خود در خارج از سازمان یو و مشروعیت بگیرد. وقتی که ورود چین به صحنه سیاست بین المللی مداخلات را عوض کرد و چهره ملی نفوذ بیشتری پیدا کرد، توده های ما هم از فعالیت های اجتماعی و عقیدتی با آنها کم بود.

با فعال شدن جریان حسینیه ارشاد و آغاز فعالیت های دکتر شریعتی و آمدن شهید مطهری از قم به داخل و تکرین و تکرین در قالب و اردن مسائل عقیدتی در قالب مسائل سیاسی روز و انتشار جزوه های در این موارد، وضع فکری دانشجویان در اروپا بهتر شد. البته آثار مهندس بازگان،

استا انتخاب شدم در سال ۱۳۴۵ یک ایرانی به نام مصطفی حقیقی در جلسه کنگره سالانه این سازمان بین المللی دانشجویان مسلمانان که در شهر ورمز WORMS آلمان تشکیل شده بود، شرکت کرد.

او با من آشنا شد و مرا دعوت کرد که ۴ ماه دیگر در کنگره ای از دانشجویان مسلمان ایرانی در شهر تریر TRIER آلمان شرکت کنم

گزارش به مجمع عمومی سازمان بعضی از اعضا اعتراض کردند و گفتند طباطبائی خلاف مشی کنفدراسیون، قصد مذهبی کردن جشن را داشته و باید از سازمان غرضواری بکند. من نشستم خردار اینتا پشته و گفتند که کنفدراسیون غیرمذهبی نیست بلکه ضد مذهبی است همانجا تاسیس کردم و گفتم شما از طرف مردمی و برای ملی مبارزه می کنید که ۹۹ تا ۹۸ درصدشان مسلمانند. وقتی اینجا با یک سکه این گونه برخورد می کنید، یا چه زبانی می خواهید با مردمتان صحبت بکنید.

این نمونه ای بود از برخورد کنفدراسیون با فرهنگ ملی و اسلامی ایران از طرف دیگر، در کنفدراسیون اختلافاتی بر سر شیوه مبارزه وجود داشت عده ای به روش هوشی و منطقی و عده ای به روش دانشمند، بعضی ها طرفدار سلوک ماؤتسه تونگ در چین بودند و بعضی ها مدافع مرام مسلمانان غیرمستقیم کشورهای امریکای لاتین در چنین شرایطی که کنفدراسیون داشت، اعضای مسلمان نگاه دیگری پیدا کردند. ما می دیدیم که مرجع تقلید وقت (امام خمینی) مبارزه با رژیم امریکای واجب عینی می دانند و در کنفدراسیون نمی شود به این طریقه عمل کرد.

کنفدراسیون جای وقت تلف کردی شده بود. به همین دلیل، رفته رفته فکر تشکیل جلسات اسلامی در ذهن ما تقویت شد و بالاخره در شهر آخن، انجمن اسلامی دانشجویان را تأسیس کردیم البته در همین زمانها چند انجمن اسلامی دیگر هم در چند شهر دیگر آلمان و اتریش تشکیل شده بود که ما از آنها بی اطلاع بودیم

این را هم اضافه بکنم که سازمان دیگری هم در اروپا وجود داشت به نام اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا که هم در آنجا فعالیت می کردند و هم در آنجا عضویت می گرفتیم

سازمان بین المللی بود و دانشجویان مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی، عربی آفریقائی عضو این سازمان بودند (نام این سازمان: United Muslim Students Organisation یا مخفف UMISO بود).

این سازمان گرچه اکثر افرادی از اخوان المسلمین بودند ولی در عمل شدت غیرسیاسی بود و فقط مراسم عبادی و مذهبی انجام می داد. در اکثر شهرهای آلمان و دیگر کشورهای اروپائی ما هم شعبه داشت، از جمله در شهر آخن که من هم عضو آنها بودم در کنار آن دو انجمن، یک سازمان صنفی و غیرسیاسی هم در دانشگاه آخن به نام «استا» وجود داشت که در واقع از طرف کل دانشگاه مسؤول رسیدگی به نیازهای صنفی دانشجویان بود.

در سالهای ۴۵-۴۴ (۱۳۶۵-۶۶) من از طرف شورای عالی دانشجویان دانشگاه آخن به عنوان مسؤول روابط بین الملل

گزارش به مجمع عمومی سازمان بعضی از اعضا اعتراض کردند و گفتند طباطبائی خلاف مشی کنفدراسیون، قصد مذهبی کردن جشن را داشته و باید از سازمان غرضواری بکند. من نشستم خردار اینتا پشته و گفتند که کنفدراسیون غیرمذهبی نیست بلکه ضد مذهبی است همانجا تاسیس کردم و گفتم شما از طرف مردمی و برای ملی مبارزه می کنید که ۹۹ تا ۹۸ درصدشان مسلمانند. وقتی اینجا با یک سکه این گونه برخورد می کنید، یا چه زبانی می خواهید با مردمتان صحبت بکنید.

این نمونه ای بود از برخورد کنفدراسیون با فرهنگ ملی و اسلامی ایران از طرف دیگر، در کنفدراسیون اختلافاتی بر سر شیوه مبارزه وجود داشت عده ای به روش هوشی و منطقی و عده ای به روش دانشمند، بعضی ها طرفدار سلوک ماؤتسه تونگ در چین بودند و بعضی ها مدافع مرام مسلمانان غیرمستقیم کشورهای امریکای لاتین در چنین شرایطی که کنفدراسیون داشت، اعضای مسلمان نگاه دیگری پیدا کردند. ما می دیدیم که مرجع تقلید وقت (امام خمینی) مبارزه با رژیم امریکای واجب عینی می دانند و در کنفدراسیون نمی شود به این طریقه عمل کرد.

کنفدراسیون جای وقت تلف کردی شده بود. به همین دلیل، رفته رفته فکر تشکیل جلسات اسلامی در ذهن ما تقویت شد و بالاخره در شهر آخن، انجمن اسلامی دانشجویان را تأسیس کردیم البته در همین زمانها چند انجمن اسلامی دیگر هم در چند شهر دیگر آلمان و اتریش تشکیل شده بود که ما از آنها بی اطلاع بودیم

این را هم اضافه بکنم که سازمان دیگری هم در اروپا وجود داشت به نام اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا که هم در آنجا فعالیت می کردند و هم در آنجا عضویت می گرفتیم

سازمان بین المللی بود و دانشجویان مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی، عربی آفریقائی عضو این سازمان بودند (نام این سازمان: United Muslim Students Organisation یا مخفف UMISO بود).

این سازمان گرچه اکثر افرادی از اخوان المسلمین بودند ولی در عمل شدت غیرسیاسی بود و فقط مراسم عبادی و مذهبی انجام می داد. در اکثر شهرهای آلمان و دیگر کشورهای اروپائی ما هم شعبه داشت، از جمله در شهر آخن که من هم عضو آنها بودم در کنار آن دو انجمن، یک سازمان صنفی و غیرسیاسی هم در دانشگاه آخن به نام «استا» وجود داشت که در واقع از طرف کل دانشگاه مسؤول رسیدگی به نیازهای صنفی دانشجویان بود.

در سالهای ۴۵-۴۴ (۱۳۶۵-۶۶) من از طرف شورای عالی دانشجویان دانشگاه آخن به عنوان مسؤول روابط بین الملل

گزارش به مجمع عمومی سازمان بعضی از اعضا اعتراض کردند و گفتند طباطبائی خلاف مشی کنفدراسیون، قصد مذهبی کردن جشن را داشته و باید از سازمان غرضواری بکند. من نشستم خردار اینتا پشته و گفتند که کنفدراسیون غیرمذهبی نیست بلکه ضد مذهبی است همانجا تاسیس کردم و گفتم شما از طرف مردمی و برای ملی مبارزه می کنید که ۹۹ تا ۹۸ درصدشان مسلمانند. وقتی اینجا با یک سکه این گونه برخورد می کنید، یا چه زبانی می خواهید با مردمتان صحبت بکنید.